

یلایی به نام مصرف‌گرایی

من و شما مصرف می‌کنیم؛ همه ما افراد جامعه به انسان‌های مصرف‌کننده‌ای تبدیل شده‌ایم. در حقیقت اقتصاد جهانی موجب شده است کارهایی را که ذاتاً به آن علاقه‌مند هستیم براحتی انجام دهیم:



من و شما مصرف می‌کنیم؛ همه ما افراد جامعه به انسان‌های مصرف‌کننده‌ای تبدیل شده‌ایم. در حقیقت اقتصاد جهانی موجب شده است کارهایی را که ذاتاً به آن علاقه‌مند هستیم براحتی انجام دهیم: خریدن، مصرف کردن، دور ریختن و دوباره خریدن. اگر مصرف‌گرایی را کنترل کنیم، اقتصاد شکوفا می‌شود، اما اگر در مصرف‌گرایی موفق نباشیم، اقتصاد نیز دچار لغزش می‌شود.

در واقع این مدل اقتصادی، تبلیغات صفحات تجاری روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی را توجیه می‌کند. تمام آگهی‌های موجود در این رسانه‌ها و همچنین فضای اینترنت بر یک مبنا و آن هم مصرف‌گرایی است.

مصرف‌گرایی تاریخچه‌ای نه‌چندان طولانی دارد. البته انسان در اصلی‌ترین نیازهایش مانند دیگر حیوانات موجودی مصرف‌کننده است. ما باید برای زنده ماندن غذا بخوریم و این‌که هزاران سال است که شروع به ساخت اسلحه، لباس، تزئینات، اسباب‌بازی و آلات موسیقی کرده‌ایم و بازرگانی سال‌های مدیدی است که وجود داشته است، اما آنچه تازه و جدید است، پروژه سازماندهی جامعه بر اساس افزایش دائمی نرخ مصرف‌گرایی در تک‌تک افراد جامعه است.

چرا مصرف‌گرایی؟

اوایل قرن بیستم بشر به طور موقت به منبع فراوان و ارزان انرژی متمرکز، قابل انتقال و ذخیره از سوخت‌های فسیلی دست یافت و با پیشرفت تجهیزات توانست بخش عظیمی از این منابع را استخراج کند. در ضمن خطوط نیروی برق و محصولات پتروشیمی را نیز باید به این منبع افزود. این فراوانی، بسیاری از جوامع را با مشکل اقتصادی جدیدی به نام تولید بیش از حد - محصول بسیار زیاد و خریدار اندک - مواجه کرد که در نهایت به رکود اقتصادی شدیدی منجر شد. اما پس از مدتی صنایع راه‌حلی ارائه دادند و آن تبلیغات گسترده برای خرید بیشتر محصولات بود. در حقیقت، تبلیغات به یکی از ارکان بقای شرکت‌ها تبدیل شد و مصرف‌گرایی به تدریج رشد کرد. گروهی از تبلیغ‌کنندگان، بازاری‌ها و روان‌شناسان مصرف‌گرایی را رواج دادند تا به این ترتیب به جنگ رکود اقتصادی بروند. مردم تشویق می‌شدند با خرید محصولات کارخانه‌ها به رشد اقتصاد جامعه کمک کنند و تبلیغات این محصولات بسیار گسترده شد. سال‌ها بعد محصولات وارد بازار شد که مردم نمی‌توانستند هزینه خریدشان را یکجا بپردازند - مانند خودرو - اما از آنجا که دوست داشتند این محصولات را نیز خریداری کنند، دولت‌ها شرایط پرداخت قسطی را به وجود آوردند و سپس در بیشتر کشورها، کارت‌های اعتباری متولد شد. تولیدکنندگان با این روش می‌توانستند مردم را به خرید بیشتر تشویق کنند، چرا که اکنون مردم می‌توانستند ابتدا مصرف کنند، سپس هزینه آن را بپردازند. وقتی خرید شهروندان بیشتر شد، مالیات بر درآمد و فروش هم رونق یافت.

عوارض مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی عوارضی دارد که امروزه علائم خود را بخوبی نشان داده است. در واقع کارشناسان دو مشکل مهم و جدی را عنوان کرده‌اند؛ مشکل اول - مصرف‌گرایی و ارزش‌های انسانی: مصرف‌گرایی افراد جامعه را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ گروهی که کار می‌کنند و گروهی که از کار دیگران بهره‌برداری می‌کنند. در واقع گروه دوم همان طبقه مرفه جامعه هستند که بسیار مصرف‌گرایی دارند. در حقیقت تولید انبوه دو اثر دارد؛ اول این‌که طبقه دارا را به دام خود انداخته و او را گرفتار در خرید بیشتر می‌کند. دوم این‌که طبقه کارگر دچار تلاش بی‌پایان برای رسیدن به طبقه اجتماعی بالاتر می‌شود. در چنین جامعه‌ای - مانند آمریکا که در حقیقت مصرف‌گرایی از این کشور شروع و به ممالک دیگر کشیده شد - مردم چنان گرفتار تولید و مصرف هستند که دیگر توجهی به توزیع نابرابر ثروت ملی در جامعه و همچنین ناکارآمدی مسائل سیاسی کشورشان نمی‌کنند. همچنین وقتی مردم تشویق به خرید اجناس مارک‌دار شوند، چنان درگیر این مسائل بی‌ارزش و پیش‌پاافتاده می‌شوند که برای روابط سالم انسانی اهمیتی قائل نخواهند شد. گویی دچار کرختی و خواب‌آلودگی در خصوص مسائل مهم و ارزش‌های اجتماعی می‌شوند و

به تنها چیزی که فکر می‌کنند تحصیل پول برای خرید بیشتر است.

مشکل دوم - محدودیت منابع: دومین و حادثترین مشکل مصرف‌گرایی محدودیت منابع است. بنابر نظر دانشمندان، مصرف‌گرایی هر قدر هم از نظر اجتماع و اقتصاد مطلوب باشد از نظر فیزیکی دوام نخواهد یافت. با یک محاسبه ساده ریاضی می‌توان این موضوع را ثابت کرد. حتی افزایش بسیار اندکی از یک درصد رشد مصرف سالانه می‌تواند به تدریج تمام منابع زمین را به پایان برساند. در ضمن مصرف‌گرایی موجب تولید انواع و اقسام زباله می‌شود به طوری که آب و هوا و خاک نمی‌تواند به سرعت آنها را تجزیه و جذب کند و آلودگی همه جای زمین را می‌گیرد. حتی بخش بالایی از بحران‌های آب و هوایی بر اثر این آلودگی‌های زیست‌محیطی است. رشد بی‌رویه مصرف منابع، جوامع را به نابودی می‌کشاند. در واقع، مصرف‌گرایی در برابر منابع طبیعی که بخش عظیمی از آن غیرقابل جایگزین است، رفتاری غیرمسئولانه است و به طور حتم بشر را با عوارض جبران‌ناپذیر آن مواجه می‌کند.

سیستم خود تقویت‌کننده

اغلب انتقادهای مربوط به مصرف‌گرایی به یک تجویز نسخه ساده منتهی می‌شود و آن، این که خرید بیشتر برای محیط‌زیست مضر است، پس می‌توانیم عادات مصرف‌مان را تغییر دهیم. یعنی این‌که زود زود خرید نکنیم و فقط اجناس ضروری را بخریم. از یک وسیله بارها استفاده و بازیافت کنیم. بحث و گفت‌وگو در خصوص مضرات مصرف‌گرایی انکارناپذیر است، اما افراد کمی به حذف این عادت فکر می‌کنند و این‌که مصرف‌گرایی ویژگی خودتقویتی دارد و هرچه افراد به مصرف بیشتر بپردازند به خرید بیشتر متمایل می‌شوند و اگر صرفاً با تشویق می‌شد جلوی این عادت را گرفت تاکنون انجام شده بود.

با این حال، کارشناسان همچنان بر این عقیده که مصرف‌گرایی نمی‌تواند تا بی‌نهایت ادامه یابد و بالاخره مرگش فرا خواهد رسید و بشر با محدودیت‌های منابع طبیعی (از جمله سوخت فسیلی)، محدودیت‌های جذب محیطی (که به تغییرات آب و هوا، اسیدی شدن اقیانوس و دیگر بلایای آلودگی منجر می‌شود) مواجه است و تاکنون روش‌های کوتاه‌مدت برطرف کردن این محدودیت‌ها - مانند استفاده از سوخت‌های غیرفسیلی - چندان موثر نبوده است. درحقیقت سرنوشت بدی در انتظار اقتصاد مصرف‌گرایی است.

یک جایگزین خوب

خبر خوب این که این مدل اقتصاد به طور بیولوژیکی تعیین‌نشده و صرفاً برخاسته از یکسری شرایط خاص بوده است و چنانچه اوضاع تغییر کند و روش‌های دیگر اقتصادی به کار گرفته شود، مصرف‌گرایی خود به خود از میان می‌رود.

همان‌طور که می‌دانیم مصرف‌گرایی ابتدا به سبب رونق و فراوانی انرژی ارزان و تولید بیش از حد شروع شد و اکنون تمام علائم نشان می‌دهد به دلیل محدودیت‌های انرژی و مشکلات زیست‌محیطی، زندگی در حال تغییر است. اما ما چگونه می‌توانیم از اقتصاد مصرف‌گرایی به اقتصاد سالم برسیم؟

شاید یکی از روش‌ها تغییر نگرش مردم نسبت به زندگی‌شان باشد. متأسفانه انسان هرچه مصرف‌کننده‌تر می‌شود نسبت به زندگی‌اش احساس رضایت کمتری دارد و به سمت خرید بیشتر روی می‌آورد.

باید از نظر روان‌شناسی انسان‌ها را به گونه‌ای آموزش داد که سعادت‌شان را با مصرف بیشتر مقایسه نکنند. همچنین دولت‌ها می‌توانند سیاست‌هایی اتخاذ کنند که افراد جامعه‌شان در اداره امور مملکت خود مشارکت بیشتری داشته باشند و از نظر سطح زندگی با یکدیگر برابر باشند. در واقع به این ترتیب می‌توانند بدون مصرف‌گرایی به شادی و آرامش دست پیدا کنند.

البته جنبش شادی و به دنبال آن مصرف کمتر نمی‌تواند به تنهایی تمام مشکلات را حل کند و صرفاً اندکی می‌تواند جلوی بحران‌های آب و هوایی و کمیابی آب و منابع دیگر را بگیرد. اما این روش می‌تواند کمک کند از این نوع اقتصاد - که بر مبنای مصرف‌گرایی است - به راحتی و بدون ایجاد فاجعه عبور کرده و نوع دیگری از اقتصاد را تجربه کنیم.

Postcarbon.org / مترجم: نادیا زکالوند